

یک سوره از لطف‌هایی که نادیده گرفتیم



سوره یونس در چند خط

این سوره با اشاره‌هایی که به بزرگی غیر قابل وصف خداوند و نیز رفتار مخلوق نوبرش، انسان می‌کند، در واقع گزارشی از وضعیت انسان است در برابر خداوند.

این سوره در مکه نازل شده است، ۱۰۳ آیه دارد و محتوایش را در قالب توصیف و بیان نمونه‌های روشن، قابل دسترس و با آهنگی پر تلاطم، با مخاطب خود در میان می‌گذارد. از آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌گوید، از قدرت و تسلط خدا و شایستگی‌های او برای پرستش و از نشانه‌هایی که گویای حساب و کتاب جاری بر عالم است.

از مسیر آفرینش می‌گوید که به سوی او باز می‌گردد و از وجود پیامبران که چراغ راهنما، از زندگی تمام نشدنی که انسان، نتیجه ایمان یا کفرش را در آن می‌بیند. آیات سوره یونس، هشدار می‌دهد که مبادا مثل کسانی شوید که انکار کر و کورند؛ علامت‌ها و نشانه‌ها را هر جور که بتوانند توجیه می‌کنند و بعد از گذشتن از سختی‌ها، خدایی را که به یاری خوانده و وجودش را یافته بودند، نادیده می‌گیرند! که دود آتش انکار، خسارتی است که به چشم خودتان می‌رود.^۲

داستان پیامبران

در لابه‌لای آیات این سوره، از سه پیامبر بزرگ، نوح و موسی و یونس علیهم‌السلام یاد شده است و شاید مناسبت این سه نفر با یکدیگر، به مردمشان مربوط باشد! مردم هم عصر این سه پیامبر، از عنایت‌های ویژه‌ای برخوردار شدند. قوم نوح صدها سال مهمان او بودند و با وجود سماجی که در انکار او به خرج دادند خداوند در عذابشان شتاب نکرد. بنابر آن چه این سوره بیان کرده، نوح، از دست مردم به تنگ آمده بود و به آن‌ها می‌گفت: «حالا که برایتان سخت است پیامبری مرا بپذیرید و حوصله نصیحت‌هایم را ندارید، معطل نکنید و نقشه‌ای که پنهانی برای قتل من کشید، عملی کنید (یعنی محال است از کارم دست بردارم) من از هیچ چیز باکی ندارم؛ چون به خدا توکل کرده‌ام. فقط بدانید که من برای خودم چیزی از شما نخواسته‌ام و حرفم این است که تسلیم خواست خدا باشید»؛ (آیات ۷۱ تا ۷۳)

صبر خداوند نسبت به بنی‌اسرائیل هم دیدنی است. اگر چه آن‌ها پیامبری با عمر نوح علیه‌السلام نداشتند و در انکار او، به صراحت و سرسختی قوم نوح نبودند؛ ولی در سستی ایمان و نافرمانی، در تاریخ بی‌نظیرند. آیات سوره یونس، پس از نقل گفت‌وگوها و قضایایی که موسی و هارون (برادر موسی) با فرعون و ساحران دربار او داشته‌اند، جریان هلاکت فرعون و رهایی بنی‌اسرائیل را پیش می‌کشد و گلايه می‌کند: لطف‌هایی که به آن‌ها شده بود نادیده گرفتند؛ (آیه ۷۵ تا ۹۳)

درباره مردم زمان حضرت یونس علیه‌السلام، رحمت و دل‌سوزی خداوند، طور دیگری جلوه

کرد؛ چنان‌که قرآن می‌گوید: «آن‌ها تنها کسانی بودند که وقتی با دیدن نشانه‌های عذاب ایمان آوردند، خداوند توبه‌شان را پذیرفت و اجازه داد مدت دیگری در دنیا باقی بمانند تا گذشته را جبران کنند» (آیه ۹۸)

پیام گزیده‌های سوره

- آفرینش خدا کار باطلی نبوده و پشت آن، هدف و حقیقتی نهفته است؛ (آیه ۵).
- جهنم، جای کسانی است که حواسشان به روز ملاقات با خدا نیست، به زندگی دنیا خوشند و چشمشان را بر علایم هشداردهنده (آیات الهی) بسته‌اند؛ (آیه ۸-۷).

- ایمان واقعی کلید هدایت است (آیه ۹) و کسی که ایمان نمی‌آورد نشانه‌ها و هشدارها به درش نمی‌خورد؛ (آیه ۱۰۱)

- وقتی کسی از روی آگاهی، دستور خداوند را زیر پا می‌گذارد، خدا هم کاری می‌کند که از هدایت و سعادت که نعمتی برای مؤمنان است، دور و دورتر شود. (آیه ۱۲ و ۱۹)

- گناه‌کار، عاقبت به خیر نمی‌شود؛ (آیه ۱۷).

- خداوند، قصد دارد با راهنمایی‌هایش، انسان را به آرامش کامل وابدی (دار السلام) برساند؛ (آیه ۲۵).

- عالم، دو قطب دارد؛ حق و باطل. کسی که خدایی حقیقی را منکر شود، ساکن گمراهی است (راه میانه‌ای وجود ندارد)؛ (آیه ۳۲).

- عاقل، خواست خدا را معیار خوب و بد می‌شمرد، نه رضایت دیگرانی که خودشان محتاج هدایت خدایند؛ (آیه ۳۵).

- روز قیامت، انسان‌ها به گذشته که نگاه می‌کنند، انگار فقط یک لحظه بوده که با هم سپری کرده‌اند و عجب ضرری می‌کنند آن‌هایی که می‌گفتند این حرف‌ها همه‌اش دروغ است؛ (آیه ۴۵).

- قرآن، پندی است که خداوند به انسان داده است؛ پندی که اگر خوب فهمیده شود، می‌تواند ناآرامی‌ها و اضطراب‌ها و ترس‌ها و تردیدها را تبدیل به آرامش و اطمینان و قدرت و یقین کند و برای کسی که آن را قبول داشته باشد، باعث رشد و هدایت شود؛ (آیه ۵۷).

- چیزی که داشتش واقعاً جای شادی و خوشحالی دارد، فضل و رحمت خداست؛ چرا که سودش بیش‌تر از جمع کردنی‌های دنیا است؛ (آیه ۵۸).

- هرچند نتیجه عملی، ایمان به خدا و تسلیم شدن در برابر او، توکل کردن به اوست اما گاهی فراموش‌کاری انسان و هجوم دردها، توکل او را سست می‌کند و این وظیفه آگاهان است که آن‌را یادآوری کنند؛ چنان‌که موسی چنین کرد؛ (آیه ۸۴).

- خدا می‌تواند طوری در آفرینش تصرف کند که همه مردم مؤمن شوند؛ اما یکی از سنت‌های خداوند همین است که همه با اختیار کامل ایمان بیاورند؛ (آیه ۹۹).

همراه نبودن مردم با انسان، نباید او را درباره چیزی که به آن یقین دارد، به دودلی بیندازد؛ به‌ویژه وقتی فرمان خداوند در میان است؛ (آیه ۱۰۴).

ختم کلام

ظرف جان را طهارتی باید.

گفته بودیم که اگر قرآن، کتاب زندگی است، پس باید خوانده شود؛ مثل کتاب‌های دیگری که برای خواننده‌شدن پدید می‌آیند. و گفتیم که این صفحه، تنها آغازی است بر آشنایی بیش‌ترتان با قرآن که مسیرش را خودتان می‌پیمایید و اگر عربی را هم خوب نمی‌دانیم، با یک ترجمه خوب و کمی مطالعه در کنارش، بهره‌های بسیار می‌توان برد.

ولی نگفتیم و شاید هم نیاز به گفتن نباشد که کلام خداوند، ظاهری دارد و باطنی و به باطن آن، دست کسی می‌رسد که دل و جان را مثل ظرفی که برای برداشتن آب به آبگیر می‌زند پاک کند و البته پاکی جز به مدد تلاوت و درجه‌ای از فهم قرآن، شدنی نیست؛ این گونه است که کلام خدا، دریای هفتاد طبقه‌ای می‌شود که هر طبقه‌اش، مقدمه طبقه بعدی است و هر کدامشان، گنجینه‌ای از زیبایی‌ها نهفته دارد.

علاوه بر این‌ها، گاهی عبارت‌های ظاهری قرآن، جوری بیان شده است که جز با فهم باطن آن نمی‌توان قضاوتی کرد؛ مثل این جمله که: خداوند بر عرش قرار گرفت و به تدبیر امور پرداخت؛ (آیه ۳).

پی‌نوشت:

۱. آیات ۱۲ و ۲۱ و ۲۲

۲. آیات ۲۳ و ۴۴ و ۱۰۸